



روش رسول خدا(ص) با همنشینان چگونه بود/ شمه‌ای از سیره رحمة للعالمین

حضرت رسول(ص) اوقات خویش در منزل را سه قسمت می کرد: قسمتی برای عبادت خداوند، قسمتی برای خانواده و قسمتی برای خود اما قسمت خودش را باز میان خود و مردم قسمت می کرد.

حضرت رسول(ص) اوقات خویش در منزل را سه قسمت می کرد: قسمتی برای عبادت خداوند، قسمتی برای خانواده و قسمتی برای خود اما قسمت خودش را باز میان خود و مردم قسمت می کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، امام حسین(ع) فرمود: از پدرم از وضع و چگونگی رفتار رسول الله(ص) در داخل منزل پرسیدم، فرمود: به منزل رفتنش به اختیار خود بود و چون به منزل می رفت اوقات خویش را سه قسمت می کرد: قسمتی برای عبادت خداوند، قسمتی برای خانواده و قسمتی برای خود. اما قسمت خودش را باز میان خود و مردم قسمت می کرد و پس از فراغت از کار خواص به کارهای عموم می پرداخت و چیزی از آن وقت را برای خود باقی نمی نهاد و از جمله روش آن حضرت در رابطه با امت این بود که اهل فضل را به عنایت خود ویژه می داشت و هر کس را به مقدار فضیلتی که در دین داشت احترام می کرد. برخی یک حاجت، برخی دو حاجت و برخی چندین حاجت داشتند و حضرت به رسیدگی آنها می پرداخت و آنان را سرگرم اصلاح کار خودشان و مردم می کرد، از کار و بارشان می پرسید و آنچه را لازم بود به آنان خبر می داد و می فرمود: «باید حاضران به غایبان برسانند و حاجت کسانی را که به من دسترسی ندارند به من برسانید، زیرا هر که حاجت کسانی را که دسترسی به سلطان ندارند به گوش سلطان برساند خداوند قدم های او را در روز قیامت ثابت و استوار سازد.» در مجلس آن حضرت جز این گونه مطالب گفته نمی شد و از کسی غیر آن را نمی پذیرفت. آنان برای درک فیض و طلب علم خدمت حضرتش شرفیاب می شدند و بی آنکه چیزی فراگیرند پراکنده نمی شدند و چون از آن مجلس بازمی گشتند خود رهنمایی بودند.

حضرت در روایتی می فرمایند: از پدرم امیرمؤمنان(ع) از رفتار رسول خدا(ص) در خارج از منزل پرسیدم، فرمود: رسول خدا(ص) زبان خود را از سخنان غیر لازم باز می داشت. با مردم انس می گرفت و آنان را از خود رمیده نمی ساخت. بزرگ هر قومی را گرمی می داشت و او را بر آنان می گماشت. از یاران خود سراغ می گرفت و از مردم از آنچه در میان آنان می گذشت پرسش می نمود. هر کار نیکی را تحسین و تقویت می کرد و هر کار زشتی را تقبیح می کرد و خوار می شمرد. در کارها میانه‌رو بود و افراط و تفریط نداشت. از مردم غافل نمی شد مبادا آنان غفلت ورزند و به انحراف گرایند. درباره حق نه کوتاهی داشت و نه از آن تجاوز می کرد. اطرافیان آن حضرت نیکان مردم بودند و برترین آنان در نظر او کسانی بودند که نسبت به مسلمانان خیرخواه و دلسوزتر بودند و بزرگ ترین آنان کسانی بودند که با برادران دینی خود بهتر همدردی و همکاری داشته باشند.

امام حسین(ع) فرمود: از پدرم از وضع مجلس پیامبر(ص) پرسیدم، فرمود: آن حضرت در هیچ مجلسی نمی نشست و بر نمی خاست مگر به یاد خدا. در مجالس جای مخصوصی برای خود انتخاب نمی کرد و از این کار نیز نهی می نمود. هر گاه به گروهی می پیوست هر جا که خالی بود می نشست و دیگران را نیز دستور می داد که چنین کنند. حق هر یک از اهل مجلس را ادا می کرد و کسی از آنان نمی پنداشت که دیگری نزد آن حضرت از او گرمی تر است. با هر کس می نشست به قدری صبر می کرد تا خود آن شخص برخیزد و برود. هر کس از او حاجتی می خواست باز نمی گشت مگر آنکه یا به حاجت خود رسیده بود یا به بیان خوشی از آن حضرت دلخوش گشته بود. خوی نیکش شامل همه بود به حدی که مردم او را پدري مهربان می دانستند و همه در حق، نزد او برابر بودند. مجلس او مجلس حلم و حیا و صداقت و امانت بود. در آن آوازه بلند نمی شد و عرض و آبروی کسی نمی ریخت و اگر از کسی لغزشی سر می زد جای دیگر بازگو نمی شد. اهل مجلس با یکدیگر عادلانه رفتار می کردند و بر اساس تقوا با هم رفاقت و دوستی می نمودند. با یکدیگر فروتن بودند، مهتران را احترام می کردند و با کهنتران مهربان بودند و نیازمندان را بر خود مقدم می داشتند و از غریبان نگهداری می کردند.

حضرت می فرمایند گفتم: روش رسول خدا(ص) با همنشینان چگونه بود؟ فرمود: همیشه خوشرو و خوش خلق و نرم‌خو بود. خشن و درشت‌خو و پرخنده و سبک‌سر و بدزبان و عیب‌جو و چاپلوس نبود. از آنچه به آن میل و رغبت نداشت غفلت می ورزید. طوری بود که آرزومندان از او مأیوس و نومید نمی شدند. خود را از سه چیز به سختی دور می داشت: «جدال و کشمکش، پر حرفی و ذکر مطالب بی فایده». نسبت به مردم نیز از سه چیز پرهیز داشت: «کسی را نکوهش و سرزنش نمی کرد. لغزشهای کسی را جستجو نمی نمود و عیب کسی را پی نمی گرفت». سخن نمی گفت مگر در جایی که امید ثواب در آن می داشت. هنگام سخن گفتن چنان اهل مجلس را جذب می کرد که همه سر به زیر افکنده، گویی پرنده بر سرشان نشسته، آرام و بی حرکت می ماندند و چون ساکت می شد آنان سخن می گفتند و نزد آن حضرت بر سر سخنی نزاع نمی کردند. هر که سخن می گفت همه ساکت به سخنانش گوش می دادند تا سخنش پایان یابد و در محضر حضرتش به نوبت سخن می گفتند. از چیزی که اهل مجلس می خندیدند، می خندید و از آنچه آنان تعجب می کردند تعجب می کرد. بر بی ادبی غریبان در خواسته ها و گفتارشان صبر می کرد تا جایی که اصحاب در صدد جلب اشخاص مزاحم برمی آمدند. می فرمود: چون حاجت‌مندی را دیدید او را کمک کنید. مدح و ثنای کسی را نمی پذیرفت مگر از کسی که بخواهد تشکر نماید. سخن کسی را نمی برید مگر آنکه از حد می گذشت که در آن صورت با نهی او یا برخاستن، سخن او را قطع می کرد.

امام حسین(ع) فرمود: سپس از سکوت رسول خدا(ص) پرسیدم، پدرم فرمود: سکوت آن حضرت بر چهار پایه استوار بود: حلم، حذر، تقدیر و تفکر. سکوتش در تقدیر و اندازه گیری در این بود که همه مردم را به یک چشم ببیند و به گفتار همه یکسان گوش دهد و سکوتش در تفکر آن بود که در چیزهای فناپذیر و فناپذیر اندیشه می کرد و سکوتش در حلم آن بود که حلم و صبر را با هم داشت، به طوری که چیزی او را به خشم نمی آورد و از کوره به در نمی برد و سکوتش در حذر در چهار مورد بود: به کارهای نیک می پرداخت تا دیگران نیز از او پیروی کنند. کارهای زشت را ترک می کرد تا دیگران نیز از آن بپرهیزند. کوشش خود را به کار می برد تا برای اصلاح امت خود نظری درست ارائه دهد و به آنچه خیر دنیا و آخرت در آن بود اقدام می نمود.

منبع: کتاب سنن النبی، علامه طباطبائی